مهم‌ترین موانعی که فاصله فوتبال ما را با حرفه‌ای‌ها بیشتر و بیشتر می‌کند

یک دور همی به اسم لیگ برتر!

گزارش یک
شیوا نوروزی

فصل جدید لیگ برتر فوتبال ایران با همان کاستی‌ها، نواقص و مدیریت آماتوری آخر هفته آغاز می‌شود. این بیست‌وسومین دوره است و دل‌مان خوش است که تجربه برگزاری ۲۲دوره را در کارنامه داریم، ولی مشکل این است که عزمی برای درس گرفتن از گذشته، استفاده از تجربیات و حرکت به سمت پیشرفت و حرفه‌ای‌گری وجود ندارد. در ادامه به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

لیگ‌برتر دورهمی خوبی است برای آنها که دستی بر آتش دارند و از برگزاری آن نفعی می‌برند، وگرنه کیست که نداند بحث‌های فنی، بالارفتن کیفیت فوتبال باشگاهی و احترام به هوادار آخرین گزینه‌هایی است که دست‌اندرکاران امر به آنها اهمیت می‌دهند. موضوع سرگرمی و دلخوشی مردم و جوانان هم دستاویزی است برای توجیه بی‌برنامگی، سوءمدیریت‌ها و حیف‌ومیل‌های ناتمام. حاصل این شیوه برگزاری لیگ چیزی نیست جز افزایش فاصله زیاد با سطح اول فوتبال باشگاهی جهان. تا زمانی که خبر از تفکرات، مدیریت و برنامه‌ریزی حرفه‌ای نیست، اصلاً چرا باید انتظار پیشرفت فوتبال را داشته باشیم؟ به ویژه در سطح باشگاهی. بهترین لیگ‌های جهان با سرعت زیاد در حال پیشرفت هستند اما ما نه تنها پیشرفتی نداشته‌ایم بلکه پسرفت هم کرده‌ایم. شاید سطح لیگ ایران با لیگ‌های معتبر جهان قابل قیاس نباشند ولی اگر مدیران فوتبالی، از فدراسیون و سازمان لیگ گرفته تا باشگاه‌ها، دنبال پیشرفت بودند، از آنها الگوبرداری می‌کردند و اجازه نمی‌دادند تا این اندازه از دنیا عقب بیفتیم.

توهم حرفه‌ای شدن

ادعای حرفه‌ای‌گری زمانی معنا پیدا می‌کند که این مسئله در همه ارکان فوتبال نمود پیدا کند، نه اینکه عده‌ای پشت‌میزنشین عشق مصاحبه به دروغ خود و سیستم مدیریتی‌شان را حرفه‌ای بنامند. لیگ‌برتر ما در شرایطی مثلاً حرفه‌ای شده که بسیاری از تیم‌های مطرح و پرهوادارش حتی نمی‌توانند مجوز حرفه‌ای AFC را بگیرند! چه برسد به اینکه با رقبای جهانی بجنگند. امسال استقلال دوباره از دریافت مجوز حرفه‌ای بازماند و برای دومین دوره متوالی حضور در لیگ‌قهرمانان آسیا را از دست داد. اگرچه سایر تیم‌ها از جمله پرسپولیس، سپاهان، نساجی و تراکتورسازی در فصل جدید لیگ‌قهرمانان حضور خواهند داشت اما همه می‌دانند این تیم‌ها نیز به سختی و ناپلئونی توانسته‌اند نظر مثبت سران آسیا را برای گرفتن مجوز حرفه‌ای جلب کنند.

نداشتن امکانات اولیه، عدم‌رعایت قوانین بین‌المللی، ارسال مدارک خلاف واقع، تلاش برای دور زدن قوانین آسیایی و عدم‌تلاش برای رسیدن به استانداردهای روز دنیا، از جمله عواملی است که AFC روی آنها تأکید دارد اما هیچ کدام از این موارد برای مدیران باشگاه‌ها و فوتبال ایران مهم قلمداد نمی‌شوند. رفتارها و تصمیمات آقایان مدعی مدیریت حرفه‌ای مؤید این ادعاست.

حسرت پیشرفت

سال‌هاست پیشرفت روزافزون فوتبال آسیا را می‌بینیم و حسرت می‌خوریم. کاری جز حسرت خوردن از دست‌مان برنمی‌آید چراکه مسئولان امر در خواب هستند و رقبا در حال تلاش و کوشش. گذشت آن زمان که لیگ کشورهای عربی برای‌مان اهمیتی نداشت و بازیکنان خارجی فقط برای دریافت پول بیشتر پیشنهادهای نجومی آنها را می‌پذیرفتند. حالا لیگ‌های قطر، عربستان و امارات به قدری ارتقا پیدا کرده‌اند که بهترین فوتبالیست‌های جهان پیراهن تیم‌های عربی را به تن می‌کنند. درست که پای دستمزدهای آنچنانی نیز وسط است اما سرمایه‌گذاری وسیع و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت این کشورها را نمی‌توان انکار کرد. شاید مبالغ هنگفتی به جیب بازیکنان ستاره سرازیر شود اما قطعاً کشورهایی از جمله قطر اهداف بزرگ‌تری در سردارند، از جمله مطرح کردن نام کشور کوچک خود، ارتقای سطح فوتبال خود و کسب درآمدهای نجومی. کره و ژاپن هم که سرآمد فوتبال شرق آسیا هستند. مقامات ورزش این دو کشورها بیش از دو دهه است که جاه‌طلبی‌های خود را در برنامه‌های بلندمدت و ترسیم چشم‌اندازهای وسیع گنجانده و اهداف بزرگ‌شان را یکی یکی محقق ساخته‌اند. برای ما که در طول یک فصل تیم‌های‌مان بارها با تغییرات مختلف کن‌فیکون می‌شوند، اجرای برنامه یک ساله هم عجیب و شگفت‌آور محسوب می‌شود ولی برای ژاپنی‌ها و کره‌ای‌ها رفت‌وآمد مدیران تأثیری در اصل ماجرا ایجاد نمی‌کند و اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف حرف اول را می‌زند.

فاصله نجومی

پیوستن به جمع حرفه‌ای‌ها یک‌شبه محقق نخواهد شد. اگر امروز تیم‌های همسایه امکاناتی در حد بهترین‌های جهان دارند، بهترین تیم‌های جهان در کشورشان اردو می‌زنند و از آن طرف درآمدهای زیادی کسب می‌کنند، قطعاً برنامه‌ریزی ویژه داشته‌اند. نه مثل فوتبال ایران که مدعی‌اند و عشق دوربین و مصاحبه. برنامه‌ریزی و مدیریت سالم و حرفه‌ای، از ملزومات موفقیت و پیشرفت هستند و متأسفانه فوتبال ایران از این حیث دچار نقصان شدید است. متأسفانه بعد از گذشت بیش از دو دهه از برگزاری لیگ‌برتر تیم‌های حاضر همچنان با حداقل امکانات به کارشان ادامه می‌دهند. نداشتن ورزشگاه اختصاصی هنوز یکی از دغدغه‌های اصلی تیم‌های پرطرفدار است. در حالی که همین کشورهای اطراف صاحب ورزشگاه‌هایی بسیار مجهز و پیشرفته شده‌اند تا جایی که غول‌های فوتبال اروپا دیدارهای رسمی و دوستانه خود را در این کشورها برگزار می‌کنند، البته این تنها فرق ما با سطح اول فوتبال دنیا نیست.

کمک‌داور ویدئویی کاملاً در همه جای دنیا جا افتاده و حتی مسابقات آسیایی نیز با این سیستم برگزار می‌شوند، ولی فوتبال ایران کماکان در حسرت آن مانده و هر روز هم یک وعده جدید از سوی مسئولان مطرح می‌شود. نداشتن VAR در شرایطی است که افت داوری فوتبال ما به اوج رسیده و هیچ بازی‌ای بدون حاشیه تمام نشده است. در این اوضاع بررسی مجدد صحنه‌های حساس مسابقه می‌تواند بخشی از اشتباهات داوران را کاهش دهد. نحوه مذاکره، عقد قرارداد و تعیین دستمزد بازیکنان و مربیان نیز در دنیای حرفه‌ای اصول و قواعد خود را دارند، اما اینجا همه چیز متفاوت است و دلال و واسطه‌ها هستند که قواعد را تعیین می‌کنند! اینگونه است که یک بازیکن یا مربی درجه‌چندم در حد یک ستاره قرارداد می‌بندد و دستمزد می‌گیرد.

از حیث مدیریت نیز حرفی برای گفتن نداریم، مدیران باشگاه‌ها اغلب با تصمیمات غیرفوتبالی انتخاب می‌شوند و بعضاً افرادی روی کار می‌آیند که تجربه‌ای در حوزه نداشته‌اند. همین تفکرات حرفه‌ای مدیریت غیرحرفه‌ای مدیران را در پی دارد. عمر کوتاه و عدم‌ثبات مدیریتی و همچنین پاسخگو نبودن مدیران نسبت به عملکرد خود، وخامت اوضاع را به حدی رسانده که احتمال جابه‌جایی چند مدیر طی یک فصل وجود دارد. با در نظر گرفتن این موارد و سایر فاکتورهایی که مستقیماً روی کیفیت تیم‌ها، بازی‌ها و سطح رقابت‌ها تأثیر می‌گذارند، باید اذعان کرد با بهترین‌های جهان و حتی بهترین‌های آسیا نیز فاصله نجومی داریم، از آن مهم‌تر اینکه این فاصله هر لحظه در حال افزایش است و قدمی برای ارتقای سطح کیفی و کمی لیگ‌برتر ایران برداشته نمی‌شود.

> **لیگ‌برتر ما در شرایطی مثلاً حرفه‌ای شده که بسیاری از تیم‌های مطرح و پرهوادارش حتی نمی‌توانند مجوز حرفه‌ای AFC را بگیرند! چه برسد به اینکه با رقبای جهانی بجنگند**

نگاه

همه‌گیری دوباره افیون فوتبال

فریدون حسن

سوت آغاز بیست‌وسومین دوره رقابت‌های لیگ برتر فوتبال از عصر پنج‌شنبه ۱۲مرداد ماه به صدا درمی‌آید. ۲۲دوره از این مسابقات گذشته است؛ رقابت‌هایی که با پسوند حرفه‌ای بودن و با داشتن بیش از دو دهه سابقه امروز باید در جمع برترین لیگ‌های جهان قرار داشته باشد اما نیست.

فوتبال ما حرفه‌ای نیست. ۲۲دوره از لیگ برتر و حرفه‌ای گذشته اما همچنان تقریباً تمام آن به صورت دولتی و با پول بیت‌المال اداره می‌شود. هنوز هیچ تیمی ورزشگاه اختصاصی برای خود ندارد. هنوز هیچ شفافیت مالی دیده نمی‌شود. هنوز چشم به راه رسیدن سیستم کمک‌داور ویدئویی هستیم. هنوز نمی‌دانیم کنفدراسیون فوتبال آسیا این لیگ و تیم‌هایش را حرفه‌ای قلمداد می‌کند یا نه و آیا مجوز حضور در مسابقات لیگ قهرمانان آسیا را به تیم‌های ایرانی می‌دهد یا نه و در یک کلام هنوز بدیهی‌ترین امکانات حرفه‌ای بودن در فوتبال ایران وجود ندارد.

در چنین اوضاعی بیست‌وسومین دوره لیگ برتر پرحاشیه‌تر از فصل‌های قبلی آغاز می‌شود. اگر توقع تغییر یا پیشرفت داشته‌اید، سخت در اشتباهید. لیگ برتر فوتبال ایران فقط سروصدا دارد. به همین یکی‌دو ماه نقل و انتقالات نگاه کنید، چیزی جز حاشیه دیده‌اید؟ فقط همه دور هم نشسته‌ایم و تاراج بیت‌المال توسط فوتبالیست‌ها را تماشا می‌کنیم. هوادار فوتبال هم گویا می‌پسندد که خودش، خانواده‌اش و کس و کارش در سختی و مشقت زندگی کنند و به نان شب‌شان محتاج باشند اما بازیکنان تیم‌های مورد علاقه‌شان چندده‌میلیارد بگیرند و اگر ذره‌ای قراردادشان کم شد، همین هوادار محتاج به نان شب جلوی وزارت ورزش و مجلس و باشگاه گریبان پاره می‌کند که چرا؟ هر چه هم فریاد بزنی که بیچاره این پول تو و خانواده توست که اینگونه سرازیر جیب مفت‌خورهای فوتبال می‌شود، اصلاً انگار نه‌انگار، اینجاست که بازهم می‌رسیم به جمله معروف «فوتبال افیون توده‌هاست»؛ افیونی که باعث می‌شود خودت گرسنه باشی اما طاقت نیاوری که بازیکن میلیاردی‌بگیر ذره‌ای کمتر بگیرد.

دود این افیون از چهار روز دیگر باز هم فضای شهرها را آلوده خود می‌کند، هر چند فصل نقل‌وانتقالاتش هم کم دود ندارد برای مسموم کردن ذهن‌ها و آلوده کردن فضا، از چند روز دیگر به صورت کاملاً رسمی هوش و حواس همه را متوجه خود می‌کند، چنان که همه یادشان می‌رود چگونه میلیاردهامیلیارد پول مردم برای فوتبال آماتورمانده ایران به اسم حرفه‌ای بودن خرج می‌شود.

معمولاً رسم بر این است که در شروع فصل از شور و هیجان حرف می‌زنند از اینکه قرار است باز هم تنور فوتبال داغ شود اما اینها مربوط به سطح اول فوتبال جهان و فوتبال حرفه‌ای است؛ جایی که همه چیز آن سر جایش باشد، جایی که همه چیزش حساب و کتاب داشته باشد، نه برای فوتبال باشگاهی ایران که چیزی جز حاشیه و فساد و مال‌مردم‌خوری از آن بیرون نمی‌آید.

بیست‌وسومین دوره رقابت‌های لیگ برتر به طور حتم بدتر از تمام ادوار قبلی لیگ شروع و فاجعه‌بارتر از تمام دوره‌ها به پایان خواهد رسید، چون اصولاً قرار نیست این فوتبال آماتور پیشرفتی داشته باشد، پس شروع آن به خودشان مبارک، چون چیز مبارکی از این فوتبال عاید ورزش ایران نمی‌شود.

گزارش ۲ / دنیا حیدری

حرکت چراغ خاموش سپاهان، جوش و خروش تراکتور و تکاپوی پرحاشیه سرخابی‌ها

هزینه‌های هنگفت رؤیاپردازی

تنها چند روز دیگر تا آغاز رقابت‌های لیگ بیست‌وسوم زمان باقی است، اما با وجود این تکاپوی تیم‌های لیگ برتری برای جذب نفرات مدنظر خود همچنان ادامه داد؛ رقابتی که بی‌هیچ تردیدی جز برای کسب عنوان قهرمانی در رقابت‌های لیگ نیست اما باید دید هزینه‌هایی که برای این هدف انجام شده می‌تواند مدعیان را یاری کند یا نه؟!

قهرمانی دردی از پرسپولیس دوا نکرد

بازگشت به دوران قهرمانی بعد از یک فصل وقفه می‌توانست به معنای تکرار دوران طلایی سرخپوشان باشد، اما نه وقتی مشکلات مالی با وجود کسب عنوان قهرمانی دست از سر این تیم برنداشت. عدم‌دریافت مانده مطالبات و همچنین پاداش‌هایی که وعده آن در قرارداد بازیکنان قید شده بود، کار را به جایی رساند که بیرانوند اقدام به فسخ قرارداد کرد و با آبی‌پوشان پایتخت پای میز مذاکره نشست؛ اتفاقی که اگر چه به سرانجام نرسید و گلر ملی‌پوش پرسپولیس به ادامه همکاری با این تیم رضایت داد اما اوضاع سرخپوشان را پیچیده‌تر کرد. در واقع یحیی هم به همان اندازه که بیرانوند از مدیریت باشگاه گله‌مند بود، با درویش به چالش خورد، به طوری که مدیرعامل سرخپوشان حتی اقدام به خروج پنهانی از باشگاه کرد و همین مسئله باعث شد رسانه‌ها او را به سخره بگیرند! از ناتوانی درویش در عملی کردن خواسته‌های یحیی و جذب بازیکنان مدنظر او همین بس که قیافه درهم سرمربی سرخپوشان بارها به سوژه رسانه‌ها تبدیل شد اما حتی این مسئله نیز نتوانست تغییری در روند باشگاه ایجاد کند؛ مسئله‌ای که جدایی عیسی آل‌کثیر، کمال کامیابی‌نیا، سیامک نعمتی، پریرا، دیاباته، گوهری و سلیمانی را به دنبال داشت، هر چند کنعانی‌زادگان، شهاب زاهدی، مسعود ریگی و محمدمهدی احمدی نیز به جمع سرخپوشان اضافه شدند اما یحیی بارها تأکید کرد نیازهای تیم توسط مدیریت باشگاه برطرف نشده است، البته تغییر قانون نیز شرایط را برای پرسپولیس سخت‌تر کرد، چراکه تا پیش از آن عبدی، زاهدی و حنانوف جزو بازیکنان زیر ۲۵سال پرسپولیس بودند اما تغییر متن قانون باعث شد آنها به لیست نفرات اصلی (بزرگسالان) اضافه شوند و با این حساب دست یحیی برای جذب بازیکن جدید بسته شد و اضافه شدن هر بازیکنی می‌توانست منوط به کنار گذاشتن یک بازیکن دیگر از جمع سرخپوشان باشد.

نکونام به خنسی استقلال خورد

جدایی ساپینتو نیز نتوانست آرامش را به استقلال برگرداند. نکونام جوان که از سال گذشته زمزمه‌های حضورش در استقلال به گوش می‌رسید، سرانجام سکان هدایت آبی‌پوشان را به دست گرفت اما حضور او روی نیمکت استقلال با حاشیه‌های بسیاری همراه بود که جدایی پرحرف و حدیث حجت کریمی تنها یک نمونه آن بود! شاید نکونام تصورش را هم نمی‌کرد حضورش در استقلال همزمان شود با وضع قانون سقف قرارداد؛ قانونی که می‌توانست دست‌وپای مربی جوان آبی‌پوشان را ببندد، اما نه به اندازه‌ای که عدم‌توافق با گزینه‌های مدنظر دست نکونام را در پوست گردو گذاشت. مهدی قائدی یکی از گزینه‌های مدنظر او بود اما الشباب الاهلی امارات با ادامه حضور او در جمع آبی‌پوشان موافقت نکرد. از طرفی توافق محمد محبی با روستوف، اوضاع را برای نکونام پیچیده‌تر کرد، چراکه این دو مهره (قائدی و محبی) فصل گذشته روی هم گل‌های زیادی برای آبی‌پوشان به ثمر رسانده و نقش مؤثری در موفقیت‌های این تیم بازی کرده بودند. رافائل سیلوا، آرمان رمضانی، علیرضا رضایی و آرشا شکوری دیگر نفراتی بودند که استقلال را در فصل نقل و انتقالات ترک کردند؛ نفراتی که نکونام برخلاف تصورش نتوانست مهره‌های مدنظر خود را جایگزین آنها کند. هرچند آرمین سهرابیان، آریا برزگر، ایمان سلیمی، محمدرضا خالدآبادی و از همه مهم‌تر مهرداد محمدی در فصل نقل و انتقالات پیراهن استقلال را بر تن کردند اما نکونام بارها تأکید کرد باشگاه نتوانسته مهره‌های مدنظر او را جذب کند و این می‌تواند در فصل جدید کار دست استقلال و مربی جدید آن دهد. مهم‌ترین نفراتی که آبی‌پوشان در جذب آنها ناکام ماندند علیرضا بیرانوند، گلر پرسپولیس بود و امیرحسین حسین‌زاده بازیکن شارلوا.

تلاش زردپوشان برای جبران مافات

سپاهان اما برخلاف سایر رقبای خود از همان ابتدا مثل همیشه بی‌سروصدا و چراغ خاموش پیش رفت، هر چند قانون سقف قرارداد این باشگاه را نیز مانند دیگر تیم‌ها آزرده‌خاطر کرد اما زردپوشان اصفهانی که سال‌هاست دست‌شان به جام قهرمانی نرسیده برای پایان دادن به این حسرت نفراتی چون عیسی آل‌کثیر، احسان پهلوان، کاوه رضایی، رضا اسدی، رضا شکاری، هادی محمدی و محمدرضا حسینی را جذب کردند، البته سپاهان این فصل خروجی زیادی داشت، نفراتی چون الویس کامسوبا، امیرمحمد محکم‌کار، ایگور کاتاتائو، جلال‌الدین علی‌محمدی، حسن شوشتری، رناتو داسیلویرا، سبحان پسندیده، مانوئل فرناندز، مسعود ریگی، یاسین سلمانی و عیسی مرادی نفراتی هستند که پیش از آغاز لیگ بیست‌وسوم زردپوشان اصفهانی را ترک کردند. ژوزه موراریس که فصل قبل نتایج قابل قبولی با سپاهان کسب کرد و تنها به واسطه یک امتیاز کمتر دستش از جام قهرمانی کوتاه ماند، همچنین چشمش دنبال سعید عزت‌اللهی نیز است؛ بازیکنی که پرسپولیس و استقلال نیز روی او نظر دارند، اما مهم‌ترین مسئله برای زردپوشان بی‌شک پر کردن جای خالی دو هافبک تدافعی است که در فصل نقل و انتقالات از دست دادند. با توجه به جدایی مسعود ریگی و مشخص نبودن تکلیف آینده جلال‌الدین علی‌محمدی، پر کردن جای خالی آنها در این منطقه کلیدی بی‌تردیدی مهم‌ترین چالش ذهنی موراریس در اندک روزهای باقی مانده تا آغاز لیگ بیست‌وسوم است چراکه هافبک دفاعی نقشی بسیار حیاتی در موفقیت هر تیمی دارد و این را موراریس که با فوتبال روز دنیا آشناست، بهتر از هر کس دیگری می‌داند.

خمس به دنبال تراکتور کهکشانی

تراکتور از جمله مدعیان فصل گذشته بود که هزینه بسیاری برای کسب عنوان قهرمانی و همچنین جواز حضور در لیگ قهرمانان کرد اما در نهایت با ایستادن بر سکوی چهارم به کار خود در رقابت‌های لیگ پایان داد، آن هم در شرایطی که فقط ۱۰امتیاز با تیم سوم جدول فاصله داشت. سرخپوشان تبریزی اما همچنان با عنوان یک مدعی در فصل نقل و انتقالات حضور یافتند و تاخ و تاز قابل توجهی داشتند. شجاع خلیل‌زاده، سیامک نعمتی، مهدی شیری، سعید آقایی، عارف آقاسی، محمد نادری، آلوارو خیمنز، عارف رستمی، مهدی حسینی و حسین پورحمیدی از جمله نفراتی هستند که خمس برای فصل جدید دستچین کرده است و باید دید می‌توانند ناکامی فصل گذشته را برای تبریزی‌ها جبران کنند؟

تازه‌واردهای لیگ

درست در روزهایی که مدعیان لیگ در تدارک شروعی پرقدرت هستند، تیم‌های تازه‌وارد نیز تمام تلاش خود را می‌کنند تا استارت قابل قبولی داشته باشند. پورموسوی یکی‌دو جین بازیکن به لیست خود اضافه کرده است تا بازگشت استقلال خوزستان به سطح نخست فوتبال کشور با اتفاقات خوبی همراه باشد، هر چند سرمربی آبی‌پوشان جنوبی از بی‌توجهی مسئولان استانی گله‌مند و بر این باور است که آقایان بعد از گرفتن عکس یادگاری رفتند حاجی‌حاجی مکه، اما با وجود تمام گلایه‌ها، دست‌به‌خرید پورموسوی تا به امروز خیلی خوب بوده است، به طوری که در مقابل پنج بازیکنی که از جمع این تیم جدا شدند، ۱۴ با استقلال خوزستان برای پوشیدن پیراهن این تیم در لیگ بیست‌وسوم به توافق رسیدند.

شمس آذر، دیگر تیم تازه‌وارد لیگ است که امسال نخستین حضورش را در سطح اول فوتبال کشور تجربه می‌کند؛ تیمی که لیگ برتری‌شدن آن با حواشی بسیاری همراه بود و تصور می‌شد به دلیل استفاده از بازیکن غیرمجاز صعود زودهنگامی که به لیگ برتر داشت، منتفی شده و جای خود را به سایپا دهد اما در نهایت با یک جریمه جزئی مواجه شد، به طوری که قرار است لیگ را با سه امتیاز منفی آغاز کند. این تیم که سکان هدایت آن را سعید دقیقی در دست دارد، فصل گذشته با نمایشی دیدنی موفق به کسب جواز حضور در لیگ برتر شد و حالا برای نمایشی قابل توجه در این رقابت‌ها اقدام به جذب نفراتی چون عیسی مرادی، مصطفی احمدی، عرفان قهرمانی، سعید قائدی‌فر، مهدی محمدی، علی آزادمنش، سعید کریمی و همچنین سجاد بازگیر کرده است؛ نفراتی که باید دید می‌توانند دست دقیقی را در رقابت‌های لیگ برتر بگیرند؟